

اکمال دین و نیازهای سیال بشر

سید علی حسینی *

چکیده

دین اسلام کامل‌ترین و جامع‌ترین ادیان آسمانی و پاسخ‌گوی تمام نیازهای هدایتی بشر می‌باشد. سؤال این است که چگونه دینی هزار سال قبل ادعای تکامل می‌کند و چگونه نیازهای سیال بشر امروزی را پاسخ می‌گوید؟ آنچه نگارنده در پاسخ به آن بیان نموده آن است که نیازهای بشر یا مادی است یا معنوی، یا ثابت است یا متغیر و برای هر کدام دین سازوکار متناسب با آن را در نظر گرفته است که پاسخ به نیازهای ثابت از اصول ثابت دینی و پاسخ به پیشامدهای متغیر با اجتهاد از اصول مسلم حاصل می‌شود.

واژگان کلیدی: دین، تکامل، مکتب، مذهب، اصول.

* . دانش‌پژوه دکترای تفسیر تطبیقی و عضو شورای مدیریت انجمن تفسیر و علوم قرآن جامعه

المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ العالمیه واحد مشهد مقدس.

قرآن کریم در آیه سوم سوره مائده می‌فرماید: «الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمِهِ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مائده/۳)؛ امروز است که دیگر کفار از ضدیت با دین شما مأیوس شدند، دیگر از آنها نترسید و تنها از من بترسید. امروز است که دین شما را تکمیل کردم و نعمت خود بر شما تمام نمودم و امروز است که دین اسلام را برای شما پسندیدم.

آنچه در این آیه شریفه جلب توجه می‌کند، چند مطلب است از جمله آنکه روز یأس کافران، روز اکمال دین، روز اتمام نعمت الهی بر مردم، روزی که اسلام به‌عنوان دین کامل، موردپسند خدا قرار گرفته چه روزی است؟ ثانیاً، آیا دینی که بیش از هزار سال قبل در حصر جغرافیای خاص و به زبان خاص آن‌هم در بین مردمی که به فرمایش آیات قرآن و گزارش متقن تاریخی، زمان جاهلی نامیده شده و تعداد افراد باسواد که در آن عصر خواندن و نوشتن می‌دانستند، از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کند؛ چگونه می‌تواند نیازهای بیشمار و سیال بشر عصر علم را پاسخ بگوید؟

هرچند در مورد این آیه شریفه در تفاسیر شیعه و اهل سنت مطالب ارزنده با توجه به اصول و مبانی تفسیری هریک بیان گردیده است؛ اما جای پژوهشی منسجم که پاسخگوی این‌گونه سؤالات باشد خالی است. بدین جهت نگارنده با بیان دلایل اکمال دین درصدد پاسخ به دو پرسش مذکور است.

فصل اول: مفهوم شناسی

مبحث اول: مفهوم واژه «اکمال»

اکمال مصدر باب افعال و از ریشه (ک م ل) است. کمال در لغت به معنای تمامیت و تحقق همه اجزای یک شیء می‌باشد. چنانکه در کتب لغوی آمده: «الکَمَالُ: التمام الذي يجزأ منه أجزاءه، أَكْمَلْتُ الشَّيْءَ: أَجْمَلْتَهُ وَ أَتَمَمْتَهُ» (فراهیدی، اعین، ج ۵، ص ۳۷۸؛ جوهری، الصحاح، ج ۵، ص ۸۱۳). هم‌چنین به معنای حصول غرض است: «كَمَالُ الشَّيْءِ حصول ما فيه الغرض منه؛ کمال شیء این است که مقصود از آن حاصل شود» (راغب اصفهانی، مفردات، ص ۷۲۶). در تفسیر مجمع‌البیان ذیل آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» می‌فرماید: یعنی امروز بوسیله قرآن و بیانات آن واجبات، حدود، حلال و حرام خود را برای شما کامل ساختم، دیگر نه چیزی افزوده می‌شود و نه از راه نسخ، چیزی کاسته می‌شود (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۶، ص ۲۰۲).

مبحث دوم: روز اکمال دین

قرآن کریم در آیه سوم سوره مائده می‌فرماید: «الْيَوْمَ يَسِّرُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مائده، ۳)؛ امروز است که دیگر کفار از ضدیت با دین شما مأیوس شدند، دیگر از آنها نترسید و تنها از من بترسید امروز است که دین شما را تکمیل کردم و نعمت خود بر شما تمام نمودم و امروز است که دین اسلام را برای شما پسندیدم (طباطبایی، ۱۳۷۴ ج ۵، ص ۲۵۶)؛ منظور از الیوم (امروز) در آیه شریفه کدام روز است که این چهار جهت در آن جمع شده است؟

روز یأس کافران.

روز کمال دین.

روز اتمام نعمت الهی بر مردم.

روزی که اسلام به‌عنوان «دین» و یک مذهب کامل، موردپسند خدا قرار گرفته است.

اگر در آیات این سوره، آیات اول و آخر دقت کنیم و در مواضع و داستان‌هایی که این سوره متضمن آنها است، تدبر کنیم، خواهیم دریافت که غرض جامع از این سوره دعوت به وفای به عهدها و پایداری در پیمان‌ها و تهدید و تحذیر شدید از شکستن آن و بی‌اعتنایی نکردن به آن است (محمدحسین طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص، ۲۵۷).

سوره مائده آخرین سوره از سوره‌های مفصل قرآن است که در اواخر ایام حیات رسول خدا ﷺ بر آن جناب نازل شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۶۳). شک نیست که چنین روزی باید روز بسیار مهمی در تاریخ زندگی پیامبر ﷺ باشد، نه یک روز ساده و عادی و معمولی؛ زیرا این همه اهمیت برای یک روز عادی معنی ندارد. از همین رو، در پاره‌ای از روایات آمده است که بعضی از یهود و نصارا با شنیدن این آیه گفتند اگر چنین آیه‌ای در کتب آسمانی ما نقل شده بود، ما آن روز را روز عید قرار می‌دادیم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۶۳). با مراجعه به منابع تاریخی، در می‌یابیم که منظور از آن روز؛ روز غدیر خم است. روزی که پیامبر اسلام ﷺ، امیرمؤمنان علی علیه السلام را رسماً برای جانشینی خود تعیین کرد. آن روز بود که کفار در میان امواج یاس فرو رفتند؛ زیرا انتظار داشتند که آئین اسلام قائم به شخص باشد و با از میان رفتن پیغمبر ﷺ اوضاع به حال سابق برگردد و اسلام تدریجاً برچیده شود. اما هنگامی که مشاهده کردند مردی که از نظر علم و تقوا و قدرت و عدالت بعد از پیامبر ﷺ در میان مسلمانان بی‌نظیر بود به‌عنوان جانشینی پیامبر ﷺ انتخاب شد و پیامبر ﷺ از مردم برای او بیعت گرفت، یاس و نومیدی نسبت به آینده اسلام آنها را فرا گرفت. فهمیدند که آئینی است ریشه‌دار و پایدار است و در این روز بود که آئین اسلام به تکامل نهایی خود رسید؛ زیرا بدون تعیین جانشین برای پیامبر ﷺ و بدون روشن شدن وضع آینده مسلمانان، این آئین به تکامل نهایی نمی‌رسید.

در روایات فراوانی که از طرق معروف اهل تسنن و تشیع نقل شده، صریحاً این مطلب آمده است که آیه شریفه فوق در روز غدیر خم و به دنبال ابلاغ ولایت علی علیه السلام نازل گردید، ازجمله خطیب بغدادی در تاریخ خود از ابوهریره از پیامبر ﷺ چنین نقل کرده که بعد از جریان غدیر خم و پیمان ولایت علی علیه السلام و گفتار عمر بن خطاب: بخ بخ یا بن ابیطالب

اصبحت مولای و مولا کل مسلم؛ آیه «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» نازل گردید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ج ۴، ص ۲۶۷).

گفتار اول: مراد از تکامل دین

سؤال دیگر این است که چگونه دین اسلام که در قبل از چهارده قرن در جامعه جاهلی عربستان ظهور پیدا کرد، برای جامعه متحول و متمدن امروزی کافی و پاسخ‌گو است؟ آنچه لازم است در پاسخ به این سؤال بیان گردد مطالب چند است که مقاله پیشرو، تبیین آن را به عهده دارد.

فصل دوم: قرآن بیان‌گر همه علوم معرفتی و هدایتی

برخی بر آنند که همه علوم - علوم تجربی و غیرتجربی - در قرآن وجود دارد. اگر چنین است طبعاً بایستی پاسخگوی تمام نیازهای بشر نیز باشد. از طرفداران مشهور این نظر می‌توان به ابن‌سینای بلخی، فخر رازی، غزالی، سیوطی، مجلسی، صدرای شیرازی، سر سید احمدخان هندی اشاره نمود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ۱۹۳). با این وجود این دیدگاه به صورت کلی مورد قبول سایر دانشمندان و غالب جوامع اسلامی نیست که در جای خود به صورت مفصل پاسخ داده شده است و جای بحث آن در این مختصر نمی‌گنجد (ر.ک: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۱). خالق متعال به انسان عقل و احساس عنایت نموده که خود بتواند، مسائل تجربی و علوم را که در چگونگی کمیت و کیفیت زندگی فردی و اجتماعی او دخیل است، به دست آورد. اما آنچه را که همه فرق اسلامی بر آن متفق هستند آن است که هدف اصلی از نزول قرآن هدایت و راهنمایی انسان‌ها به سوی سعادت و کمال است و خداوند در بعد نیازهای معرفتی، منبع و مسیر رسیدن به آن را در قرآن و سخنان مبینان قرآن در اختیار بشر قرار داده است و هر آنچه در این راستا لازم بوده به صورت تمام و کمال بیان شده است که به برخی از آن دلایل در ذیل بیان خواهد شد.



مبحث اول: آیات قرآن

۱. «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ؛ وَ نَه هَيْجِ تَر وَ خَشْكَی وَجُود دَارِدِ جِزِ اَیْنِکِه دَر کِتَابِ اَشْکَارِ (دَر کِتَابِ عِلْمِ خُدا) ثَبِتِ اسْتِ» (انعام، ۵۹).
۲. «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ؛ وَ مَا اَیْنِ کِتَابِ - اَسْمَانِی - رَا بَر تُو نَاذِلِ کَرْدِیْمِ کِه بَیَانْگَرِ هَمِه چِیزِ اسْتِ» (نحل، ۸۹).
۳. «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ؛ مَا هَيْجِ چِیزِ رَا دَر اَیْنِ کِتَابِ فَرُوگِذَارِ نَکَرْدِیْمِ» (انعام، ۳۸). بِنَابَرِ اَیْنِ قُرْآنِ خِلاصَه‌ای اَز اسرارِ اَفْرِیْنِشِ اسْتِ وَ هَمِه عِلُومِ هِدَايَتِی دَر قُرْآنِ وَجُودِ دَارِدِ.

مبحث دوم: روایات

روایاتی که در این زمینه وارد شده و مؤید عمومیت مستفاد، از ظاهر آیات است،
عن الباقر علیه السلام:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَدَعْ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ وَ بَيَّنَّهُ لِرَسُولِهِ صلوات الله عليه؛ خُداوَنَدِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى هَيْجِ چِیزِی رَا کِه مَسْلِمَانِ بَه اَنِّ مَحْتَاجِ باشَنَدِ فَرُوگِذَارِ نَکَرْدِه اسْتِ، مَگَرِ اَنکِه اَنها رَا دَر قُرْآنِ نَاذِلِ فَرَمُودِ وَ بَرایِ پِیامبَرِ صلوات الله عليه بَیَانِ کَرْدِه اسْتِ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۵۹؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ج ۲، ص ۷۵).

روایت از امام صادق علیه السلام است که می‌فرمایند:

«إِنِّي لَأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ أَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْضِينَ وَ أَعْلَمُ مَا فِي الْجَنَّةِ وَ أَعْلَمُ مَا فِي النَّارِ وَ أَعْلَمُ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ ثُمَّ مَكَتَ هُنَيْئَةً فَرَأَى أَنَّ ذَلِكَ كَبُرَ عَلَيَّ مِنْ سَمْعِهِ فَقَالَ عَلِمْتُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ؛ بَه دَر سَتِی کِه مَن هَر چِه دَر اَسْمَانِها وَ زَمِیْنِ اسْتِ مِی دَانَمِ، هَر چِه دَر بَهْشْتِ وَ جَهَنَمِ اسْتِ

می دانم، هر چه واقع شده یا می شود می دانم، سپس کمی مکث فرمود و ملاحظه کرد که این مطلب برای شنوندگان دشوار آمده پس فرمودند: این مطالب را از قرآن، می دانم که خداوند می فرماید: قرآن بیان کننده همه چیز است» (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ۱۲۸).

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«حَلَالٌ مُحَمَّدٌ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، لَا يَكُونُ غَيْرُهُ وَ لَا يَجِيءُ غَيْرُهُ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ۱۴۷).

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«انَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلْهُ لَزْمَانَ دُونَ زَمَانٍ وَ لَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضُّ الِى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ۱۳۰)؛ خداوند قرآن را برای زمان خاصی و مردم خاصی نفرستاد، پس قرآن تا روز قیامت در هر زمانی جدید و برای هر قومی تازه است».

مبحث سوم: بداهت عقلی

ادیان مانند مدارس هستند. یک مدرسه برای تربیت علمی و اخلاقی افراد متقاضی بنا شده است (فانی اصفهانی، ۱۴۱۱، ۱۶۷) و برای افراد هر صنف به تناسب درک و فهم آنها برنامه ارائه می کند و در هر سال به میزان رشد دانش آموزان که موفق شده اند، به کمیت و کیفیت برنامه هایش می افزاید؛ در عین حال که در یک مسیر و به دنبال یک هدف سیر می کنند. ادیان الهی نیز به تناسب زمان و مکان و میزان درک مردم آن معارف را بیان نموده و در آیه ۳۱ سوره شوری می فرماید: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أُوحِيَنا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّينا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ؛ برایتان از دین همان را تشریح کرد که نوح را بدان توصیه فرمود و آنچه ما به تو وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه نمودیم این بود که دین را بپا بدارید و در آن تفرقه



نیندازید» (شوری، ۳۱). از این معنا به خوبی برمی آید که خطاب در آیه به رسول خدا ۶ و امت او است و اینکه مراد از آنچه به نوح وصیت کرده است، همان شریعت نوح ۷ است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ۳۷)

آنچه حضرت ابراهیم، موسی و عیسی: به آن توصیه شده‌اند؛ ادامه همان شریعت است و هیچ‌گونه فرقی بین کتب آسمانی و انبیای الهی نیست هم‌چنین در آیه دیگر می‌فرماید: «وَ الْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لَا يُفَرِّقُونَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا؛ وَ مؤمنان نیز همه به خدا و فرشتگان خدا و کتب و پیغمبران خدا ایمان آوردند و (گفتند) ما میان هیچ‌یک از پیغمبران خدا فرق نمی‌گذاریم و همه یک زبان و یک دل در قول و عمل اظهار کردند که ما فرمان خدا را شنیده و اطاعت کردیم» (بقره، ۲۸۵).

همان‌گونه که هر دوره مدرسه تکمیل‌کننده سابق است تا به حدی می‌رسد که تعلیم تکمیل می‌گردد؛ هر یک از شرایع الهی مکمل شریعت سابق خود است، تا جایی که آخرین دین برای تکامل بشر عنایت می‌شود و می‌فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ». همان‌گونه که برای یک فرد پایان تحصیلات عالی به معنای آن نیست که غیر از آنچه او خوانده است، علم وجود ندارد؛ بلکه بدین معنا است که بسیار علوم آن حوزه را می‌فهمد و دین کامل نیز بدین معنا ایست که پاسخ‌گوی نیازهای بشر در همه زمان‌ها و مکان‌ها در حوزه دین است.

مبحث چهارم: اقتضاء جاودانه بودن دین خاتم

دین اسلام دین خاتم ادیان آسمانی است و خاتمیت اسلام لوازمی دارد که برخی از آن‌ها اشاره خواهیم نمود:

گفتار اول: عدم تحریف

یکی از مهم‌ترین علل تجدد نبوت، تحریف ادیان پیشین از سوی پیروان آن بود؛ به‌گونه‌ای که دستیابی به آن دین ناب، از طریق عادی برای انسان غیرممکن می‌نمود. دین خاتم باید از سازوکاری بهره‌مند باشد که آن را از تحریف حفظ کند و تنها منبع هدایتی بشر که قرآن کریم



است مصون از تحریف است و ادله آن در جای خود بیان و ثابت گردیده است (ر.ک: محمدهادی معرفت، تحریف ناپذیری قرآن، ترجمه علی نصیری، ۱۳۷۹، ص ۴۱).

گفتار دوم: فرازمانی و فرامکانی بودن دین اسلام

بشر همواره نیازمند هدایت الهی است و انسان در هیچ دوره‌ای، نباید محروم از هدایت الهی (دین) باشد. اگر دین الهی ختم شود و آن دین خاتم، مخصوص زمان و یا مکان خود باشد، باعث محرومیت انسان‌ها و نسل‌های دیگر، از دین می‌گردد. این با اصل دلیل لزوم بعثت، منافات دارد، پس دینی می‌تواند دعوی خاتمیت داشته باشد که همگانی و جاودانی باشد (برای آگاهی بیشتر ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۲۲۷ - ۲۱۴). لازمه جاودانی و همگانی بودن دین خاتم آن است که در هر دوره‌ای و با هر زمانه و زمینه‌ای، بتواند رسالت خود را در هدایت انسان‌ها انجام دهد و در تأمین نیازهای بشر - که او را محتاج به دین کرده است - کارا باشد. از آنجا که زندگی انسان، همواره دستخوش تغییر و تحول است، باید سازوکار مناسبی در دین خاتم موجود باشد که بتواند در شرایط مختلف، قابل اجرا بوده و اهداف اصیل خود را تأمین کند. این سازوکار در واقع رمز جاودانگی دین خاتم و توانایی او در هدایت بشر در هر زمان و مکان است.

فصل سوم: رمز تکامل دین اسلام

رسول خدا ۶ رمز تکامل دین اسلام را در یک روایت خطاب به همه مسلمانان بیان نموده

می‌فرماید:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي

أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ؛ دو چیز گران بهارا برای شما

می‌گذارم، که اگر به آنها چنگ زنید پس از من هرگز گمراه نخواهید شد؛ یکی کتاب خدا



است و دیگری عترت و خاندان من و این دو هرگز از هم جدا نخواهد شد تا آنکه در کنار حوض کوثر به من برسند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ج ۲۷، ص ۳۴).

متصدی حکومت دینی در حیات پیامبر ۶ خود او بود و پس از وی اوصیای آن حضرت: متصدی آن شدند و اکنون علمای ربانی عهده‌دار آنند؛ یعنی، عنصری در دین تعبیه شد که حافظ دین است و از آنجا که مراد «الیوم» روز غدیر است، آن عنصر «امامت» می‌باشد. در مذهب تشیع این از مسلمات است و در منابع اهل سنت نیز به آن اشاره شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ ج ۲، ص ۲۵۹)؛ و این همان رمز تکامل اسلام عزیز است.

پیامبر ۶ معلم اول و رئیس و حاکم فرمانروا از جانب خدای متعال است و این منصب جامع امور دینی و دنیای در زندگی بشر است که پس از پیامبر ۶ به اوصیای او، یکی پس از دیگری، انتقال پیدا می‌کند تا جامعه اسلامی از حاکم برحق دانای به همه اسلام خالی نماند. پس اوصیای پیامبر: مظاهر حکومت خدا بر زمین هستند و حکم الهی را که در طول تاریخ به دست پیامبران ارسال شده است، استمرار می‌بخشند (احمد آرام، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۶۷۶).

مبحث اول: نقش عصمت در حفظ و سلامت دین

امامان معصوم: برای محفوظ ماندن اسلام عزیز از تحریف، در طول تاریخ حضور خود، سه کار را انجام دادند:

۱. در کنار تأیید آیات قرآن، سنت نبوی را عیناً نقل کردند و نگذاشتند حوادث پس از رحلت - حدود یک قرن منع کتابت حدیث - سنت نبوی را نابود سازد و با این کار منابع دین را حفظ کردند.

۲. روش فهم قرآن و سنت و روش استنباط احکام اسلام را آموزش دادند که تا ابد و در طول تاریخ، انسان‌ها بتوانند رأی اسلام را در هر زمینه از منابع آن استخراج و استنباط کنند. این روش - که اجتهاد مصطلح شیعی بر پایه آن بنا شده است - راهی است که در صورت پیموده شدن، می‌تواند رأی اسلام را در همه زمان‌ها درباره هر موضوعی از منابع دین به دست دهد.



۳. کسانی را که شایستگی لازم برای به کارگیری این روش داشتند، به مردم معرفی کردند. امام عسکری^۷ از امام صادق^۷ نقل می‌کند: «و اما من کان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدینہ مخالفاً علی هواه مطیعاً لامر مولاه فللعوام ان یقلدوه؛ هرکس از فقهای امت من که نفس خود را مواظبت کند و از دینش پاسداری نماید، با هوای نفس مخالفت و فرمان مولای خود را اطاعت کند، سزاوار است که غیر فقها از او تقلید کنند».

نتیجه اینکه امامان معصوم: در دوران حضور خود، منابع دین و روش استخراج احکام آن و نیز ویژگی‌های لازم را برای شخصی که می‌تواند آنها را استخراج کند، آموزش دادند تا آن که دین الهی همواره از تحریف مصون بماند.

مبحث دوم: تحلیل و بررسی

با توجه به آنچه گذشت باید دید فقهی که از مدرسه اهل بیت پیامبر^ع استخراج می‌شود، چگونه می‌تواند دنیای متغیر و متجدد را اداره کند. برای این منظور باید نخست دانست که همه نیازهای انسان متغیر و متحول نیست. همان‌گونه که جسم انسان‌ها و نیازهای آن، از صدر اسلام تغییر نکرده و بعدها نیز تغییری نخواهد کرد؛ روان و فطرت انسان و احساسات و تمایلات او نیز تغییر نکرده است، انسان همواره خوراک، پوشاک، مسکن، ازدواج، حس نوع دوستی، زیبایی گرایی و... از نیازهای خود شمرده است. هرچند که شکل آنها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، متفاوت بوده و روابط اجتماعی انسان‌ها پیچیده و گسترده شده است. پس بخشی از حیات انسان، ثابت و بخش دیگر آن در حال تغییر و تحول است.

معارف اسلام برای تأمین نیازهای ثابت انسان، هیچ جای سؤال وجود ندارد و اما این سؤال که دین ۱۴۰۰ سال قبل چگونه نیازهای امروزی را پاسخ می‌گوید، فقط درباره تأمین نیازهای متغیر به وسیله دین ثابت است. سازوکارهایی که دین ثابت، برای این نیازهای متغیر پیش‌بینی کرده است، قواعد و اصول ثابتی است که در درون خود امکان تطبیق با شرایط مختلف زمانی و مکانی را دارد.

در اسلام قواعد کلی و عامی وجود دارد که به مجتهد، این توانایی را می‌دهد که هرگاه مسئله جدیدی به دلیل تحولات زندگی بشر پدید آمد، بتواند در رابطه با این مسئله نظر بدهد. در این رابطه چند نکته را باید در نظر گرفت:

الف. دین خداوند در طول تاریخ متناسب با رشد علمی اجتماعی فکری و مقتضیات عصری، روند تکاملی داشته است تا آنجا که بشریت به حدی از بلوغ برسد که بتواند برنامه تکاملی مربوط به تمام ادوار تاریخی را یکجا دریافت دارد و قرآن - که اساسنامه و مرامنامه تکامل نهایی بشر برای همه اعصار و امصار است - بر پیامبر اکرم ۶ نازل گردید و به‌عنوان سندی جاودان و زنده برای بشریت باقی مانده است.

ب. اینکه «قرآن برای فهم مردمی بدوی و عرب‌زبان نازل شده است»، سخنی نادرست است؛ زیرا قرآن «در میان مردمی بدوی و عرب زبان» نازل شده و فرق است بین اینکه چیزی در میان قومی خاص ظهور یابد با این سخن که «مخصوص آنها پدید آمده باشد». جالب این است که قرآن هیچ‌گاه مخاطب خود را اعراب قرار نداده و همواره روی سخن خود را با «ناس»، یعنی متوجه جمیع مردم یا مؤمنان کرده است که هر انسان خداجویی در هر عصر و وابسته به هر نسلی را شامل می‌شود.

مبحث سوم: مراتب فهم آیات

۱. بعضی از آیات قرآن، برای اعراب بدوی آن زمان هم فهم‌پذیر بود و در عین بساطت و سادگی بیان دارای چنان استواری علمی و منطقی است که برای دانشمندان برجسته امروزی نیز جالب توجه و درخور دقت است.

۲. برخی از آیات چه در زمان نزول و چه در زمان ما، جز با تعمق و ژرف کاوی‌های دقیق و روشمند قابل درک نیست.

۳. بسیاری از حقایق علمی و فلسفی و مباحث اجتماعی قرآن تنها در پرتو دانش کنونی یا آینده بشریت قابل درک است (برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر. ک: بوکای، م، ۱۳۹۳).

۴. بسیاری از آیات قرآن نیز فراتر از عقول و افهام عادی بشر بوده و تنها در سایه پرتوافشانی‌های پیامبر اکرم ۶ و ائمه اطهار: فهم‌پذیر است و تفاسیر متأثر از آنان: گنجینه‌های



ارزشمندی است که حقایق والای قرآن را به نیکوترین وجهی در اختیار بشریت قرار می‌دهد. این نکته چیزی نیست که تنها شیعه بدان معترف باشد؛ بلکه اهل سنت نیز در بسیاری از تفاسیر خود به احادیث مأثور تمسک می‌جویند.

۵. اینکه قرآن به وقایع زمان خود اشاره نموده است، قرآن را منحصر به آن عصر نمی‌سازد؛

زیرا:

اولاً، قرآن منحصر به ذکر چند حادثه و نکته تاریخی گذرا نیست؛ بلکه مشتمل بر معارفی جاودان در باب خداشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی، راه‌شناسی، راه‌نما شناسی و مجموعه گسترده‌ای از احکام اخلاق و... است که همه زمان‌ها را پوشش می‌دهد و هدایت بشریت به سوی سعادت را در هر مقطع تاریخی تأمین می‌کند.

ثانیاً، وقایع تاریخی نیز که در قرآن اشاره شده، هرچند مربوط به گذشته است؛ ولی کارکرد آنها در آینده است. به عبارت دیگر هر یک از آنها به نحو استلزام بیانگر نوعی سنت لایتغیر تاریخی یا حکم و قانونی است که دارای کلیت و شمول است و در علم تفسیر از آن به قاعده جری و تطبیق یاد می‌شود که در همه زمان‌ها جریان دارد و بر حوادث مشابه خود قابل تطبیق است. برای نمونه، وقتی قرآن درباره بنی‌اسرائیل می‌گوید: «آنان پس از رهایی از چنگال فرعون اظهار نارضایتی از غذای واحد نموده و خواست‌های مادی متعددی نمودند و لاجرم گرفتار غضب الهی گردیدند»؛ نشان می‌دهد که رفاه‌طلبی، افزون‌خواهی و نافرمانی در برابر فرستاده خداوند سرانجام به تباهی و تیره‌بختی خواهد انجامید و این درس بزرگی برای همه کسانی است که پس از رهایی از بند حکومت‌های استبدادی و ظالمانه در برابر اندک دشواری صبوری نمی‌ورزند و در جست‌وجوی خواست‌های مادی بی‌تابی می‌کنند. این درس اخلاقی، سیاسی و اجتماعی مختص زمان فرعون نیست؛ بلکه در همه زمان‌ها جریان دارد.

نتیجه

آیات قرآن و روایات متواتر و مورد اتفاق فریقین شاهد بر آن است که اکمال دین به معنای روز جانشینی ولایت به جای رسالت است که سبب تکامل دین اسلام است؛ زیرا بدون تعیین

جانشین برای پیامبر ۶ و بدون روشن شدن وضع آینده مسلمانان، این آئین به تکامل نهایی نمی‌رسید.

از آنجا که زندگی انسان، همواره دستخوش تغییر و تحول است، باید سازوکار مناسبی در دین خاتم موجود باشد که بتواند در شرایط مختلف، قابل اجرا بوده و اهداف اصیل خود را تأمین کند. این سازوکار در واقع رمز جاودانگی اسلام در هدایت بشر در هر زمان و مکان است. حدیث ثقلین آن رمز جاودانگی را در کنار هم قرار گرفتن قرآن و ولایت بیان می‌کند که قادر به پاسخگویی تمام سؤالات راجع به سعادت بشر است؛ زیرا قرآن برای مردم زمان خاص نازل نشده است. خطاب‌های «ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» خطاب‌هایی فرازمانی و فرامکانی هستند از طرف مکتب اهل‌بیت: که دانشمندان را به جهان بشریت معرفی می‌کند که با اجتهاد در منابع دینی قادر به حل مسائل زمان خویش هستند و تا این دو یعنی قرآن و اهل‌بیت: و شاگردان مکتب قرآن و اهل‌بیت: در کنار هم باشند، دین اسلام پاسخگوی نیازهای تمام افراد زمان خواهد بود.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن کثیر، البدایه و النهایه، دارالکتب العلمیه، بی جا، بی تا.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ ق.
- ابی عساکر شافعی، تاریخ دمشق، دارالفکر، بی تا.
- آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
- بوکای، موریس، مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آئینه معرفت، نشر اسراء، چ ۵، ۱۳۸۶ ش.
- _____، ولایت فقیه، ولایت، فقاہت و عدالت، نشر اسراء، چ ۹، ۱۳۸۹ ش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت، چ اول، بی تا.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعہ، قم، مؤسسہ آل البیت:، چ اول، ۱۴۰۹ ق.
- حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، الحیاة، ترجمه احمد آرام، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- خطیب بغدادی، ابی بکر احمد بن علی، تاریخ بغداد، دارالکتب العربی، بی تا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، چ اول، بی تا.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، روش ها و گرایش های تفسیری قرآن، قم، مرکز جهانی، چ ۲، ۱۳۸۵ ش.
- _____، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، اسوه، قم، ۱۳۷۵ ش.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، قم، چ دوم، ۱۴۰۴ ق.

- طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۴ ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات فراهانی، تهران ۱۳۶۰ ش.
- عبده، شیخ محمد، تفسیر المنار، دارالفکر، بی تا.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، چ ۴، قم، ۱۴۱۵ ق.
- فانی اصفهانی، سید علی، آراء حول القرآن، بیروت، ۱۴۱۱ ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، چاپ ۲، بی تا.
- قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ ۱۱، تهران، ۱۳۸۳ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ ق.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، چ ۵، ۱۳۸۰ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ ش.